

مناظرهٔ ابراهیم (ع) با مزود

معصومه نعمتی بندکهن
دبیر دینی و قرآن

معلم
پژوهنده



اشاره

قرآن، این فروشنده عطش علمی دانشمندان و چشمه‌های دانش و دریا‌های علوم، برای تفکر و تولید علم و اندیشه دینی، ارزش بسیاری قائل است و در این مسیر، مناظرات فراوانی را برای حق‌جویان و طالبان علم، گزارش کرده است. بررسی و تفسیر و تأمل در این آیات شریفه که بر محور گفت‌وگوی خداوند و مناظرات انبیا و... استوار است و نیز تبیین احتجاجات و شیوه تبلیغی و برخورد معصومین(ع)، الگویی جامع و چارچوبی کامل و منطقی از شرایط، آداب و آفات مناظره؛ برای به‌کارگیری در محافل و مجامع علمی، عرضه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مناظره، گفت‌وگو، ابراهیم، نمرود.

بیان مسئله

مناظره یکی از فنون علمی و منطقی است که از دیرباز مورد توجه بوده و برای پیشبرد مقاصد علمی بسیار کارساز است و در قرآن و کلام معصومین(ع) در موارد متعددی از آن استفاده شده است.

... و خداوند پیامبران را برانگیخت و وحی را به آنان اختصاص داد و ایشان را حجت خود بر بندگان قرار داد تا جای عذری باقی نماند و پیامبران، انسان‌ها را به راه حق فراخواندند. در مسیر تبیین مناظره‌های انبیا به‌منظور الگوپذیری از قرآن در مناظره‌ها، یک نمونه از مناظرات پیامبران الهی را بررسی می‌کنیم.

مناظره حضرت ابراهیم (ع) با نمرود

آیات متعددی در قرآن، متضمن ستایش و تمجید از شخصیت والای ابراهیم اند. از دیدگاه قرآن ابراهیم خلیل (ع) اولین پیامبر صاحب کتاب آسمانی است:

«ان هذا لفي الصحف الاولى» [اعلی، ۱۸]: قطعاً در صحیفه‌های گذشته این {معنی} هست.

«صحف ابراهیم و موسی» [همان، ۱۹]: صحیفه‌های ابراهیم و موسی.

ایشان دومین رسول اولوا العزم و از بزرگ‌ترین شخصیت‌های الهی است که در میان پیامبران دیگر، از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است. این امتیازات موجب شد که وی نزد پروردگارش به والاترین کمالات ممکن برسد که سرانجام هم از سوی خداوند به پیشوایی بشر برگزیده شد:

«و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاطمه قال انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی...» [بقره، ۱۲۴]: «و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، خدا به او فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.»

حضرت ابراهیم (ع)

فرمود: خورشید، مسخر

خدای من است و برای

آن نظامی تغییر ناپذیر

قرار داده است و آن را از

مشرق طالع می‌سازد،

پس اگر تو می‌توانی، آن

را از مغرب برآور

او امام و مقتدای همه یکتاپرستان است. سراسر زندگی ایشان مبارزه با شرک و جلوه‌های گوناگون طاغوت و دعوت به توحید و هدایت بشر به دین حنیف است: «قل صدق الله فاتبعوا مله ابراهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین»: «بگو: خدا راست گفت. پس، از آیین ابراهیم که حق‌گرا بود و از مشرکان نبود، پیروی کنید.»

مبارزات حضرت ابراهیم (ع) گاه به صورت مناظرات منطقی و زمانی به شیوه عملی و در مواقعی با تبری جستن از همه مظاهر شرک و شرک‌ورزی و اعلان براءت و مهاجرت، بروز می‌کرد. بی‌شک جدال ایشان با مشرکان زمانش، درخشان‌ترین جلوه جدال نیکو را در طول تاریخ اندیشه بشری رقم زده است. این مجادله‌ها و محاجه‌های نیکو و هدف‌دار در عرصه‌های گوناگون و با مخاطبان متفاوت مانند پدر، قوم، پادشاه، درباریان و اشراف صورت گرفته و تأثیری شگرف بر دل و جان آنان برجا نهاده است. بی‌جهت نیست که خدای تعالی، استدلال‌های او را به خود نسبت داده است: «و تلک حجتنا آتیناها ابراهیم علی قومه نرفع درجات من نشاء ان ربک حکیم علیم» [انعام، ۸۳]: «و آن حجت ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم. درجات هرکس را که بخواهیم، فرامی‌بریم، زیرا پروردگار تو حکیم داناست.»

یکی از مناظرات معروف این پیامبر خدا، مناظره و احتجاج با نمرود {پادشاه معاصر} است [بقره، آیه ۲۵۸] این گفت‌وگوی کوتاه منطقی را شرح می‌دهیم.

«ماجرای نجات حضرت ابراهیم (ع) از دوزخ نمودن و تداوم دعوت ایشان، بر دشمنی و طغیان نمرود افزود. ابراهیم را به سوی خویش فراخواند و با ایشان بنای مجادله گذاشت. نمرود گفت: آیا با وجود تمام قدرتی که از من دیده‌ای، در خدایی من تردید داری؟ پروردگاری که به سوی او دعوت می‌کنی، کدام است و خدایی را که به عبادتش می‌خوانی، کیست؟ [فلاح‌پور، ۱۳۷۳: ۱۳۷۳].

و خداوند متعال پاسخ استدلالی و منطقی حضرت ابراهیم را می‌فرماید:

متن مناظره

«الم تر الی الذی حاج ابراهیم فی ربه ان آتاه الله الملک اذ قال ابراهیم ربی الذی یحیی و یمیت قال انا احیی و امیت قال ابراهیم فان الله یأتی بالشمس من المشرق فأت بها من



المغرب فیهت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین» [بقره، ۲۵۸]: «آیا از [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [او] بدان می‌نازید، و [با ابراهیم درباره] پروردگارش محاجه [می] کرد، خبر نیافتی؟ آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند، گفت من [هم] زنده می‌کنم و [هم] می‌میرانم. ابراهیم گفت: خدا [بی] من { خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآورد. پس آن کس که کفر ورزیده بود، مبهوت ماند. و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند.»

کبر، غرور، بغض و خشم، در سخنان نمود کاملاً هویدا بود. بعضی مفسران (۱) درباره انگیزه اصلی این مناظره و محاجه می‌گویند:^۱

«به خاطر این بود که، خداوند به او حکومت داده بود و بر اثر کمی ظرفیت، از باده کبر و غرور سرمست شده بود.»

حضرت ابراهیم (ع) در کمال آرامش و خاطری مطمئن، بزرگ‌ترین شاهکار آفرینش یعنی قانون حیات و مرگ را به‌عنوان نشانه روشنی از علم و قدرت پروردگار مطرح ساخته و به نمود پاسخ می‌دهد: پروردگار من آن کسی است که جان می‌بخشد و جان می‌ستاند. تنها اوست که آفرینش را ایجاد کرده است و نابود می‌سازد. در این جا سنگ نیرومند احتجاج حضرت ابراهیم (ع)، دندان اوهام نمود را می‌شکند. ولی نمود دست از غرور برنمی‌دارد و مجادله را ادامه می‌دهد. به قول علامه طباطبایی، وقتی کلام به این جا رسید و نمود نتوانست با سخن منطقی و به حق معارضه کند، دست به نیرنگ زد، خواست تا با مغالطه، امر را بر حاضران مجلس مشتبه سازد و لذا گفت: من زنده می‌کنم و می‌میرانم؛ با این که منظور ابراهیم (ع) از جمله «ربی الذی یحیی و یمیت» حیات و موتی بود که در این جا موجودات جان‌دار و با اراده و شعور می‌بینیم. و اگر نمود کلام آن جناب را به همین معنا می‌گرفت، دیگر نمی‌توانست پاسخی بدهد، ولیکن مغالطه کرد و حیات و موت را به معنای مجازی آن گرفت...» [۵۳۶/۲].

و دستور داد دو نفر از زندان آوردند. یکی را کشت و دیگری را آزاد کرد. و به این ترتیب، امر بر دیگران مشتبه شد و او را تصدیق کردند.

لاجرم حضرت ابراهیم (ع) به حجتی روشن تر انتقال نمود^۲ و با فراست و موقع‌شناسی و در نظر گرفتن افکار عمومی، دست به استدلال دیگری زد که دشمن نتواند در برابر آن

مغالطه کند. از این رو فرمود: خورشید، مسخر خدای من است و برای آن نظامی تغییرناپذیر قرار داده است و آن را از مشرق طالع می‌سازد، پس اگر تو می‌توانی، آن را از مغرب برآور.

در این جا نمود، مبهوت استدلال قوی حضرت ابراهیم (ع) می‌شود و از ادامه مناظره و مجادله منصرف می‌شود.

این احتجاج، پیام‌های قابل توجهی برای پیوندگان راه حقیقت دارد؛ از جمله:

- نیست صادقانه و هدف الهی، تعیین‌کننده ارزش و تأثیر بحث است.

- پرهیز از مغالطه و سفسطه در بحث، لازمه مناظره منطقی است.

- موقع‌شناسی، ضامن ادامه صحیح بحث است.

- توجه به افکار عمومی، تقویت‌کننده انگیزش^۳ مناظره‌کننده است.

- کبر و غرور و خودبزرگ‌بینی، مانع استدلال منطقی است.

و این گونه خداوند با بیان سرگذشت و مناظره انبیاء، موجبات تفکر و تدبیر انسان را فراهم می‌کند. باشد تا باعث تقویت ایمان و عامل شکوفایی اندیشه‌ها شود.

پی‌نوشت

۱. شریف لاهیجی، ۲۵۷/۱؛ قمی مشهدی، ۴۱۳/۲؛ حسینی شاه‌عبدالعظیم، ۴۶۶/۱

۲. نگاه کنید به: بغوی، ۳۵۱/۱ و کاشانی، ۱۰۲/۲.

۳. انگیزش، عاملی است که به رفتار، نیرو و جهت می‌دهد و موجود زنده را در رسیدن به هدف مصر می‌سازد.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. بغوی، حسین بن مسعود. تحقیق عبدالرزاق المهدی. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. (۱۴۲۰ق). نشر داراحیاء التراث العربی. بیروت.
۳. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد. تفسیر اثناعشری. (۱۳۶۳ ش). نشر میقات.
۴. شریف لاهیجی، محمد بن علی. تفسیر شریف لاهیجی. (۱۳۷۳ ش). نشر دفتر نشر دادمکان.
۵. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. (۱۴۱۷ق). نشر دفتر انتشارات اسلامی. قم. جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. فلاح‌پور، مجید. مناظرات ابراهیم خلیل (ع). (۱۳۷۳ ش). مجله مصباح، شماره ۹.
۷. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمی. (۱۳۶۷ ش). قم، نشر دارالکتاب. قم.
۸. کاشانی، ملا فتح‌الله. منهج الصادقین فی الزام المخالفین. (۱۳۳۶ ش). نشر کتاب‌فروشی محمدحسن علمی.